

عصر

سال سوم
شماره ۱۰
اردیبهشت ۸۱
۲۵۰ ریال

مدرسه کرمانیها را بنده سالیانست که می شناسم
ومی دانستم که یکی از مدارس مرفهی و مبارز در قم.
مدرسه کرمانیهاست.



دو سال است که در «عرصه» ایم!

تلنگرهای معنوی ۶ / نشانه‌های مؤمنان

استاد مظفری

قد افلح المؤمنون * الذين هم في صلاتهم خاشعون

بدون شك همه انسانها فطرتاً خواهان سعادت‌اند، کسی پیدا نمی‌شود که واقعا خواهان بدبختی و سیه روزی خود باشد، گو اینکه بسیاری - بلکه بیشتر - افراد، راه سعادت واقعی را تشخیص نمی‌دهند و در بیراهه قدم بر می‌دارند. قرآن کریم که به فرموده خداوند متعال انسانها را به بهترین راه‌ها راهنمایی می‌کند (۱) راه سعادت را هم به صورت واضح و روشن به ما انسانها نشان داده است. واژه «فلاح» در زبان عرب که در اصل به معنای شکافتن و بریدن است برای هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوشبختی به کار می‌رود. چرا که افراد خوشبخت و سعادت‌مند همه موانع را از سر راه خود برداشته و راه خود را به سوی مقصد می‌شکافتند و پیش می‌روند. قرآن کریم سعادت دنیا و آخرت را تنها در سایه «ایمان» واقعی محقق می‌داند! ایمانی که منشأ عمل گردد و به زبان و سخن منحصر نگردد. آنچنین چنین ایمانی در آیات اولیه سوره مبارکه مؤمنون به بهترین وجهی بیان شده است. به لطف خدا توضیح مختصر این آیات شریفه در این نوشته در طی چند شماره خواهد آمد، امید آنکه با عمل به آنها بیش از پیش در راه سعادت دنیا و آخرت قدم برداریم. اولین ویژگی مؤمنان واقعی عبارت است از «خشوع در نماز». خشوع به معنای حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می‌شود و آثارش در بدن ظاهر می‌گردد. در حدیثی می‌خوانیم که پیامبر اسلام ﷺ مردی را دید که در نماز با ریش خود بازی می‌کرد، فرمود: «اما انه لو خشع قلبه لخشعت جوارحه؛ اگر قلب او خاشع بود اعضای بدنش نیز خاشع می‌شد. پیداست که تا حضور قلبی نباشد خشوعی حاصل نمی‌شود. برای تحصیل حضور قلب و خشوع در روایتی از رسول خدا - که درود خدا بر او و اهل بیت گرامی اش باد - رسیده است که: نماز بخوان مانند شخصی که وداع می‌کند (آخرین نمازش می‌باشد). وقتی شروع به نماز می‌کنی بگو این آخرین نماز من در دنیا است. و چنان باش که گویی بهشت در برابرت و آتش زیر پایت و عزرائیل پشت سرت و پیغمبران در سمت راست و ملائکه در سمت چپ هستند و پروردگار از بالای سرت بر حالت آگاه است. پس نگاه کن در برابر چه کسی ایستاده‌ای و با چه کسی مناجات می‌کنی و چه کسی به تو می‌نگرد (۲). مرحوم علامه بحر العلوم چه زیبا این معانی را به نظم کشیده و می‌فرماید:

عليك بالحضور والاقبال
والصدق في النية والاخبات
وليس للعبد بها ما يُقبل
و صل بالخشوع والتخضع
و استعمل الوقار والسكينة
و قم قيام المائل الذليل
و اعلم اذا ما قلت ما تقول
و من تناجي و من المسؤول (۳)

واقعا اگر باور کنیم که قبولی همه اعمالمان در گرو قبولی نماز است و نماز بی حضور و اقبال قلب نیز پذیرفته نیست بیش از این به نمازهایمان توجه می‌کنیم.

چشمه ساران

علی فرخی

قال الله تبارك و تعالی : الذين يتخذون الكافرين اولياء من دون المؤمنين آيتتوبون عندهم العزة فان العزة لله جميعا (کسانی که به جای مؤمنان، کافران را به دوستی می‌گیرند آیا عزت را نزد آنان می‌جویند حال آنکه عزت همه از آن خداست.)
قال الامام علی عليه السلام : من اعتز بغير الله اهلكه العز (هر که عزت را از جز خدا بجوید، آن عزت او را هلاک گرداند.)
آیه مبارکه و حدیث شریف راه رسیدن به عزت برای مسلمانان روشن نموده و اگر کشورهای اسلامی صلح و دوستی و سازش با قدرتهای مادی را بر عزت الهی ترجیح دهند باید بدانند سرنواشتی جز هلاکت ندارند.

حدیث شریف بیانگر این است که تنها وسیله رسیدن به عزت ابدی و جاودان طلب عزت الهی است نه غیر الهی.
طلب عزت در سایه ذات باری تعالی موجب بقاء و ابدی شدن امت و عزت و سروری که از حضرت رب العالمین در آن استمداد نشود موجب فرسودگی و در نتیجه هلاکت است.
مشکل جهان اسلام در حال حاضر طلب عزت از غیر خداست و تکیه نکردن بر خداوند برای بدست آوردن عزت است و طبق بیان شریف حضرت مولی الموحدین علی عليه السلام اگر اینگونه ادامه یابد موجب هلاکت آنان است

جرعهای از احکام

احمد خیرالدین

استفتائی از رهبر معظم انقلاب

فكانظر جنابعالی در مورد مصافحه نمازگزاران بعد از فراغشان از نماز چیست؟ قابل ذکر است که بعضی از عنمای جلیل القدر گفته‌اند: در ارتباط با این موضوع چیزی از ائمه وارد نشده که در آن صورت داعی بر انجام مصافحه نیست (لذا مصافحه به نیت ورود بدعت حرام می‌باشد) ولی در همان حال مشاهده می‌کنیم که مصافحه باعث ازدیاد دوستی و محبت بین نمازگزاران می‌شود.
[جواب: بعد از سلام و فراغت از نماز مصافحه اشکال ندارد و بطور عموم مصافحه مومنین مستحب است.
سوال ۷۴۷ ج اول استفتائات

یاران همراه!

آخرین شماره عرصه در سال تحصیلی جاری هفته آینده منتشر خواهد شد.
مقالات و دیدگاههای خود را جهت انتشار هر چه سریعتر به دفتر بسیج ارائه فرمایید.
ملتمس دعا - سردبیر

قیل ...

✓ قیل ... که در اجلاس بزرگترین لابی صهیونیستی آمریکا (شورای امور عمومی آمریکا و اسرائیل) که اخیراً در واشنگتن برگزار شد و در آن عده‌ای از مقامات عالی‌رتبه و سران احزاب سیاسی آمریکا و رژیم صهیونیستی حضور داشتند راههای سرنگونی حکومت ایران بررسی گردید. در این جلسات جیمز ولزی رئیس سابق سازمان سیا در دولت کلینتون با مقایسه اوضاع ایران و شوروی گفت: «حاکمان تهران حتی حمایت بخش قابل توجهی از ملاها را از دست داده‌اند. هم اکنون روحانیون شجاع شیعه‌ای در شهر مقدس قم وجود دارند که از ولی فقیه انتقاد می‌کنند و همراه نیستند.» وی در ادامه بار دیگر تصریح کرد: «بعضی ملاهای شجاع قم حاضرند از رژیم انتقاد کنند.» ولزی تصریح کرد که امید اصلی آمریکا در ایران همین طیفند.

✓ قیل ... که روزنامه بنیان که توسط طیف تندروی اصلاح طلبان اداره می‌شد و اخیراً توقیف گردید موضعی شگفت‌انگیز در تایید آمریکا و اسرائیل ارائه می‌نمود این روزنامه با اشاره به پیروزی ژان ماری لوپن در مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، شعار فرانسه برای فرانسویان را که توسط وی تبلیغ می‌شد شعار فاشیستهای اروپا دانست. با این حساب تکلیف شعار «ایران برای ایرانیان» روشن می‌شود!

✓ قیل ... که بحث تغییر قانون اساسی که توسط آقای منتظری مطرح شد و با مخالفت صریح رئیس جمهور مواجه گردید، بار دیگر این روزها توسط طیف تندروی اصلاح طلبان مطرح می‌شود. نشریه آفتاب که توسط مدیر کل مطبوعات داخلی در زمان وزارت مهاجرانی منتشر می‌شود با بررسی این امر از زبان علیرضا علوی تبار (سرمدبیر روزنامه توقیف شده صبح امروز و مسافر کنفرانس برلین) نوشته است: لازم است با تجدید نظر در قانون اساسی همه تعابیر و نهادهایی که با مردمسالاری مغایرند و نشان دهنده وجوه دیگر نظامند حذف شوند! نامبرده که معاون حجاریان بود خواستار محدود ساختن قدرت رهبری و تغییر در ترکیب مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت و محدود ساختن اختیارات شورای نگهبان شده است. علوی تبار خواستار اجازه فعالیت به گروههای غیر دینی در جامعه شده است.

✓ قیل ... که محسن کدیور اخیراً در یکی از نشریات دیدگاههای امام در خصوص فقه حکومت را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی در مقاله خود به نقد دیدگاههای امام در خصوص حکومت و ولایت فقیه پرداخته و سعی کرده است تا مواضع امام را در دوره‌های مختلف متناقض و متضاد معرفی کند.

✓ قیل ... که در نظر سنجی صورت گرفته از سوی سازمان ملی جوانان ایران ۶۵ درصد جوانان گفته‌اند که روحانیون حرف تازه‌ای برای گفتن ندارند.

مسابقه عرصه سیاست شماره ۲

(۱) علت تاسی جامعۀ روحانیت مبارز تیران چه بود؟

(۲) عقاید فاشیسم را بنویسید.

برنده مسابقه شماره ۱: برادر احسان صفا

پاسخ را تا یک هفته پس از انتشار نشریه به دفتر بسج تحویل دهید.

عرصه احزاب سیاسی / ۱

جامعه روحانیت مبارز تهران / ۴

* انشعاب و آغاز جناح بندی‌ها

پس از طرد نیروهای لیبرال، ملی گرا و منافق از صحنه سیاسی کشور که پس از حوادث خونین بهار سال ۶۰ صورت گرفت جریان حزب الله و خط امام به حاکمیت مطلقه دست یافت. مجلس دوم شاهد نخستین جرقه‌های اختلاف میان نیروهای خودی بود و ادامه اختلافات منجر به دسته بندی در این گروهها شد. یکی از زادگاههای اختلاف، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. شدت اختلاف گروههای به اصطلاح چپ سازمان که اکنون اداره سازمان فعلی را بر عهده دارند با نماینده امام در سازمان (آیه الله راستی کاشانی) به اوج رسید و گروه منتقد از سازمان کنار کشیدند. سازمان مزبور نیز مدتی بعد با موافقت امام منحل شد. در سال ۷۱ گروههای انشعابی سازمان جدیدی به همان نام تاسیس کردند که محمد سلامتی، بهزاد نبوی، تاج زاده، حجاریان، آقاجری و... از اعضای برجسته فعلی آن محسوب می‌شوند.

* تشکیل مجمع روحانیون مبارز تهران

ادامه اختلافات در انتخابات مجلس سوم آشکارا بروز کرد و منجر به انزوای جامعه روحانیت مبارز و آغاز حیات سیاسی جناح موسوم به چپ شد. این جناح بنام مجمع روحانیون مبارز تهران در سال ۶۷ رسماً از جامعه روحانیت مبارز جدا شد. این امر با موافقت امام صورت گرفت و حجج اسلام کربوبی، خلیخالی، خاتمی، موسوی خوئینی‌ها، توسلی، ابطی، امام جمارانسی، انصاری و... شورای مرکزی این گروه جدید را تشکیل می‌دادند.

ایسم‌ها / ۵

مسعود سلمه‌ای

تاریخچه دموکراسی

دموکراسی اصطلاحی است مشتق از واژه یونانی دمکراتیک که پیشوند دموس به مفهوم اداره امور داخلی کشور به کار می‌رود دموس بعدها به معنای تهیدستان و روستاییان و سرانجام به معنای مردم استعمال شده است. «کراسیا» نیز از ریشه کراتوس مشتق شده و به معنای اقدار و اختیار و نیز حکومت کردن و فرمانروایی است اصطلاح دمکراسیا نخستین بار در آتن و در زمان کلسنتین به کار رفت وی ۵۱۰ سال پیش از زمان میلاد به حکومت هیپارک و برادرش هیپیباس پایان داد و با اصلاحات قانونی حکومت به دست روستاییان و تهی دستان افتاد. این حکومت دمکراسیا نام گرفت و کلسنتین هم با نام بنیان گذار دمکراسی شناخته شد. بعدها در یونان قدیم اصطلاح دمکراسی به حکومت عوام و آریستوکراسی به حکومت خواص اطلاق می‌شد. هرودت مورخ یونانی می‌نویسد «دمکراسی اگر چه تمام مردم را در پیشگاه قانون مساوی می‌داند اشکال کار در این است که به سهولت ممکن است به موبوکراسی یا حکومت عوام تنزل یابد یعنی حکومتی که در آن مردمان حقیر ناآگاه در راس باشند امروزه دمکراسی به معنای برتری قدرت آرمان خواهانه ملی و اداره حکومت به دست ملت است. دمکراسی یعنی حکومت تمام مردم ولی چون حکومت مستقیم همه مردم در شرایط زندگی امروزی و توسعه شهرها و افزایش جمعیت کشورها امکان‌ناپذیر است به ناچار دمکراسی از راه غیر مستقیم یعنی تعیین نمایندگان با انتخابات و تفویض اختیارات حکومتی به آنها عملی می‌شود.

دو سال است که در «عرصه» ایم

* چرا به «عرصه» آمدیم؟

دو سال پیش که در چنین روزهایی نخستین پیش شماره به «عرصه» آمد و با استقبال خوبی از ناحیه استادان بزرگوار و طلاب عزیز مواجه شد تا امروز که دهمین شماره را در دست دارید راه پر فراز و نشیبی طی شده است. آن روز که به «عرصه» آمدیم جامعه فرهنگی با یک معضل مهم فرهنگی مواجه بود و همان بحرانی ما را بر آن داشت که با انتشار این نشریه علاوه بر اطلاع رسانی و نشر آرمانهایی که برای آن آرمانها قدم در این حوزه مقدسه گذاشته‌ایم، طلاب مستعدی را که یاری قلم زدن و نویسندگی و روزنامه نگاری دارند در این عرصه و در حد وسع خویش یاری کنیم. اهمیت اطلاع رسانی و ارتباطات در جوامع کنونی بر هیچ کس پوشیده نیست و بسی شک در این وادی روزنامه نگاری و نویسندگی یکی از طرق و ابزارهای اصلی و کارساز است و ما جای خالی آنرا در مدارس علمیه که زیر بنای روحانیت و مرجعیت آتم این حوزه مقدسه علمیه‌اند احساس کرده و می‌کنیم. در این دو سال توأم با فراز و نشیب در عرصه فرهنگ و سیاست، ما نیز فراز و فرودهای فراوانی داشتیم. پس از انتشار دو پیش شماره و دو شماره، به دلیل مشغله برخی دوستان تا یکسال نتوانستیم به وظیفه خویش عمل کنیم. اما در سال تحصیلی کنونی (۸۱ - ۸۰) با همیاری و مساعدت‌های خالصانه عده‌ای از دوستان بزرگوار توانستیم فعالیت نسبتاً منظمی را ارائه کنیم و حال که دهمین شماره نشریه را مطالعه می‌کنید ۱۰۰ صفحه در قالب دو پیش شماره و ۱۰ شماره با توان محدود خود تقدیمتان کرده‌ایم. در همین جا لازم می‌دانیم از مدیریت محترم مدرسه و استادان گرفتاری که در این ایام ما را یاری رساندند خصوصاً استاد موسوی گرگانی، استاد عرفان و استاد الهی که همواره مشوق و راهنمای شاگردان خویش بوده‌اند کمال تشکر و امتنان را داشته باشیم.

* چگونه در «عرصه» بوده‌ایم؟

تعدادی از استادان گرانقدر، صمیمانه به سؤالات ما در خصوص عملکرد دو ساله عرصه پاسخ دادند. استاد معظم حضرت آیه الله موسوی گرگانی با اشاره ضرورت کار مطبوعاتی به عنوان ابزاری برای شناساندن ایدئولوژی فرموده‌اند: «برای شناساندن ایدئولوژی خود به ابزار و امکانات تبلیغاتی و رسانه‌ای نیازمندیم و در روزگار امروز کمترین آنها ابزار مطبوعاتی است. پس اگر دست کم به این کار هم نپردازیم پس هدفدار نبوده‌ایم.» استاد با اشاره به اینکه روند کلی نشریه عرصه خوب بوده است خواهان تخصصی‌تر شدن نشریه شده‌اند.

حجة الاسلام و المسلمین جاویدی: نشریه‌ای جوان اما امیدوارکننده مدیر محترم مدرسه که همواره مشوق ما در این امر بوده‌اند با کمال تواضع به پرسشهای ما پاسخ دادند. ایشان با اشاره به ضرورتها و فواید کارهای مطبوعاتی در حوزه‌های علمیه و لزوم توسعه آن از کیفیت و محتوای بسیار خوب و امیدوارکننده نشریه جوان عرصه تقدیر کردند. ایشان همچنین خواستار استفاده از اشعار عرفانی علما و امام، جدول‌های علمی و فرهنگی و مقالات متنوع از طلاب مدرسه، ستون پاسخ به سؤالات، داستانهای آموزنده کوتاه و پرداختن به مسایل اخلاقی و بحثهای سیاسی روز بدون گرایش جناحی شدند.

حجة الاسلام کشمیری: اگر از درس‌نماینده کارتان پسندیده و خوب است حجة الاسلام کشمیری عضو هیات مدیره مدرسه نیز با تشکر و آرزوی توفیق برای دست اندرکاران عرصه تصریح کردند: فعالیت مطبوعاتی و کارهای جنبی آن تا حدی که عزیزان را از درس و مطالعه که کار اصلی آنهاست باز ندارد خوب و پسندیده است. ایشان همچنین خواستار پرداختن به مسائل اخلاقی و اجتماعی در نشریه شدند.

حجة الاسلام مظفری: کار شما از باب مقدمه واجب، ضروری و لازم است استاد مظفری نیز با اشاره به اینکه امروزه مطبوعات نبض افکار عمومی را در جامعه بدست گرفته‌اند تصریح کرده‌اند: لزوم کار جدی

مطبوعاتی برای حوزویان به جهت نشر معارف اسلامی و مقابله با تهاجمات فکری عقیدتی و شبهات بر کسی پوشیده نیست. بدیهی است که نشریات داخلی با تیراژ و گستره محدودتر پیش در آمد مناسبی برای ورود به عرصه‌های گسترده‌تر می‌باشد و این کار از باب مقدمه واجب، ضروری و لازم است. ایشان گستردگی نسبی مطالب از جهت موضوعی و پرهیز از افراط و تفریط در مسائل سیاسی را از نقاط قوت نشریه دانستند. همچنین خواستار ارتقای شکلی و صفحه آرای، بررسی مشکلات حوزه و مدرسه، مشارکت دادن بیشتر طلاب، گنجاندن فرهنگ دفاع مقدس، استفاده از تفریحات فکری و روحی و برگزاری مسابقاتی در زمینه مقاله نویسی شدند.

حجة الاسلام حاج ابوالقاسم: پیشرفت کار شما برای همه مشهود است استاد حاج ابوالقاسم حافظ برگزیده بین المللی قرآن نیز با اشاره به ضرورت کار مطبوعاتی به عنوان مقدمه‌ای برای استفاده از ابزارهای پیشرفته اطلاع رسانی و تبلیغ، استفاده بهینه از نیروهای متعدد و تقسیم صحیح کار را عاملی برای جلوگیری از افت احتمالی دست اندرکاران نشریه در تحصیل دانستند. ایشان با اشاره به اینکه پیشرفت کار عرصه برای هر کسی مشهود است، برای دست اندرکاران آن در همه عرصه‌ها از جمله عرصه «عرصه» آرزوی موفقیت کردند. استاد حاج ابوالقاسم همچنین خواستار تنوع مطالب و تکرر نویسندگان، ورود به مقوله‌های درسی و رساندن پیام طلاب به استادان و مدیریت از طریق ایجاد ستون آزاد در نشریه شدند.

حجة الاسلام حسینی: کارتان تبلیغ علم، تهذیب و زمان‌شناسی باشد استاد حسینی نیز با اشاره به رهنمودهای مقام معظم رهبری به طلاب خواستار محوری شدن این رهنمودها در نشریه شدند. ایشان با اشاره به رهنمود رهبری در خصوص جدیت در تحصیل علم، انگیزه دادن به طلاب و معرفی افراد ممتاز را از فعالیت‌های مفید در عرصه دانستند. همچنین استاد سید سعید حسینی خواستار استفاده از اساتید مهذب حوزه و ارائه راهکارهای اخلاقی، ارتقای بینش سیاسی طلاب و دوری از افراط و تفریط در مسائل گوناگون شدند.

حجة الاسلام مومنی: برای شروع کار، بسیار زیبا و قابل توجه است استاد سید حسین مومنی نیز با اشاره به تاکیدات مقام معظم رهبری در خصوص لزوم کار فرهنگی در حوزه‌ها و رسوخ تفکرات باطل و شبهات در مطبوعات، کار مطبوعاتی در حوزه را ضروری دانستند. ایشان همچنین با اشاره به اینکه برای شروع، کار بسیار زیبا و قابل توجهی ارائه شده است خواستار تغییر کمی و کیفی، بیان مطالب علمی، تحلیل‌های سیاسی، بیان شبهات و پاسخ به آنها، بیان مشکلات طلاب و خط دهنی سیاسی به آنان و پرهیز از یکنواختی ظاهری در نشریه شدند.

حجة الاسلام دریاباری: بسیار عالی بود استاد سید مهدی دریاباری نیز با اشاره به حملات بی‌امان فرهنگی دشمن به مقدسات و ارزشها، و آکسینه کردن و ارائه قدرت تحلیل و دفاع و آگاه نمودن مخاطبین از جریانات راز و وظایف حوزه برشمرند. ایشان با اشاره به برخی از مطالب عرصه آنها را بسیار عالی دانستند و خواستار استفاده بیشتر از استادان اخلاق، معرفی طلاب قوی و مبتکر و افزایش کیفیت نشر عرصه شدند.

حجة الاسلام قاننی: می‌توانست بهتر از این هم باشد حجة الاسلام مجید قاننی نیز با اشاره به اینکه نشریه، در کل خوب بوده است تاکید کرده‌اند: می‌توانست بهتر از این هم باشد. حجة الاسلام قاننی با اشاره به کمبود مطالب طنزآمیز توأم با پیام‌های مثبت در نشریه از نحوه انتخاب نام نشریه انتقاد کرده‌اند.

* «عرصه» و طلاب مدرسه

حکومتگران در عصر غیبت

بررسی نظریه ولایت فقیه در فقه شیعه

استاد موسوی گرگانی

بخش اول

پیان بیشتری نداشته باشد که هیچگاه جامعه بشری که سر او پای آدمیانش را شهوت رانی، قدرت طلبی، غضب، شیطنت، حرص و آز و دنیا طلبی فرا گرفته است، نمی تواند روی خوشی را به خود ببیند، مگر اینکه قانونی الهی در آن جاری باشد و مجریان آن مردمی آگاه، خردمند، با تقوا و مؤمن واقعی باشند، و همانطور که اشاره شد این معنی مورد نزاع نیست که یکی از اغراض اصلی خداوند متعال از فرستادن پیامبران، تحقق همین معنی در جامعه بشری بوده است. شاهد این ادعای مورد اتفاق، این است که وقتی زندگی برترین و آخرین رسولان الهی را مورد توجه و مطالعه دقیق قرار می دهیم و راه و روش جانشینان معصومش را دین قرار گرفته است و سکولاریزم جز عتاد با دین و مخالفت با شریعت سید المرسلین چیز دیگری نیست، زیرا وقتی پیامبر خدا می آید و با قدرتمندان زمان خود در می افتد و از همان آغاز رسالتش مورد مخالفت قدرتمندان قرار می گیرد و یکی پس از دیگری جنگهایی بر او تحمیل می شود، و گاهی خود او برای در هم کوبیدن شرک و کفر و فساد دست به جنگهای آنچنانی می زند و در مدار قدرت اسلامی، به قضاوت می نشیند و احکام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و قضایی مردم را بیان می دارد و بالاخره به تشکیل حکومت می پردازد، و برای ادامه کارش و اكمال دینش به تعیین رهبر جامعه اسلامی می پردازد، بلکه تا چندین نسل پس از خودش را بی نیاز از رهبران انتخابی می کند، از این حرکت نبی اکرم صلی الله علیه و آله چه برداشتی می توان کرد؟ آیا می توان گفت: پیامبر معصوم خدا این کار را از پیش خود و بیرون از مدار دین خدا انجام داده است؟! بیاداست که هرگز نمی توان چنین سخنی گفت، زیرا پیغمبری که معصوم است و خدایش در میان آدمیان روی کره زمین او را انتخاب کرده و درباره اش «ما یطقن عن الهوی» گفته مجال است که از پیش خود حرکتی را آغاز کند که مورد رضایت بلکه مورد امر و فرمان الهی نباشد.

نیاز جامعه بشری به حکومت و اداره منطقی و عادلانه آن، چیزی نیست که انکارناپذیر باشد، زیرا هیچ جامعه ای وجود ندارد که در آن ظلم و ستم و تجاوز و غارتگری، انجام نگیرد، و چنانچه حکومتی عادلانه باشد و حاکمان در آن حکومت مردمانی عادل و با تقوی باشند این امر امکان پذیر می گردد که ظلم و ستم، و تجاوز از جامعه، رخت برینند، چه اینکه اگر حکومت حکومتی عادلانه باشد و تروتهای عمومی را بطور عادلانه در میان مردم توزیع کند و حاکمان در آن هیچگونه تبعیض و سودجویی را نپذیرند و قانون جاری در آن قانونی الهی و عادلانه باشد و تمام مجاری فساد بسته گردد، تردیدی نیست که مدینه فاضله ای بوجود می آید که در آن، همه مردم به حق خود می رسند و هیچگونه ظلم و ستمی در آن به وقوع نمی پیوندد.

گمان ما بر این است که همه پیامبران الهی که برای تامین سعادت جامعه بشری آمده اند بر این قصد بوده اند که افزون بر پیام رسانی خود از طرف خداوند متعال به مردم، حکومتی تشکیل دهند که در سایه آن و گسترش عدل و قسط در جامعه، سعادت دنیا و آخرت و مردمان را فراهم آورند، چه اینکه نیازهای مادی سراسر وجود انسانها را فرا گرفته است و شبیه محال است که کسی با وجود همه این نیازمندیها بتواند راه تکامل معنوی خود را بدرستی طی کند، افزون بر اینکه رنج و مصیبتی که از ناحیه فقدان خود این امور متوجه آدمیان می گردد کمتر از آتش دوزخ در جهان دیگر نیست، و از طرف دیگر همانطور که اشاره شد با وجود حاکمان جائز و قدرتمندان فاسد در جامعه محال است که به حقوق ضعیفان تجاوز نکنند و دست به غارت تروتهای عمومی نزنند، کما اینکه هرگز آنان، و محاکم قضایی که زیر پوشش قدرت آنان به فعالیت قضایی اشتغال دارند، محالست که به فکر مردمان ستمدیده و غارت شده باشند، بلکه همه آنان در جامعه ای که به چنین حکومتی مبتلا شده، به صدد جلب منافع خود و اطرافیان خود خواهند بود، و افزون بر اعتبار عقلانی، تجربه تاریخی نیز این حقیقت را ثابت می کند، و شاید نیاز به

* ... و اما حرف آخر

دو سال است که با همه اشکالات، نقایص و کمبودها در «عرصه» مانده ایم و برای ما همین نفس «ماندن در عرصه» مبهم است. چرا که بسیاری از همفکران و همقطاران ما جز مدت اندکی نتوانسته اند در عرصه بمانند. توصیه ما به همه دوستان طلبه مان آن است که ما را در این «ماندن» یاری کنند و قدم به این «عرصه» بگذارند. با تمام تواضع و فروتنی شعار و هدف همیشگی خویش را بار دیگر تکرار می کنیم که:

«عرصه مهیای حضور شماست.»

ما برای این آمده ایم که «عرصه» را برای حضور شما مهیا کنیم. تا «قلم» بدست گیرید و در این «راه راه» پر پیچ و خم با «قاصدک» کاغذینی که بدستان می دهیم از فکر «طیب» خود دفاع کنید.

پس یا علی مدد!

در همین راستا جمعی از طلاب مدرسه به پرسشهای خبرنگار ما در خصوص عملکرد دو ساله نشریه عرصه و ادامه کار آن پاسخ دادند که خلاصه ای از این نظرات را از نظر می گذرانید:

برادر رفیع (پایه ۶): متأسفانه در حوزه به امر مطبوعات به عنوان یک نیاز و امر لازم نگریسته نمی شود و به همین سبب گاهی در این راه بی میریایی مشاهده می شود. عرصه کار تازه و خودجوشی است توسط طلابی که این نیاز را درک کرده اند و می توان گفت که کار موفق است.

برادر فرخی (پایه ۶): وجود نشریات در حوزه علاوه بر رشد و بالندگی حوزویان موجب در حاشیه نبودن نسبت به مسائل روز است. عملکرد عرصه نیز خوب بوده است. اما گاهی از حالت تعادل خارج شده و به مسائل حاشیه ای پرداخته است.

برادر ابراهیمی پور (پایه ۱): علاوه بر آنکه کار مطبوعاتی لازم است باید کسانی که متولی این امرند سابقه کار مطبوعاتی داشته باشند و روی کار و عملکرد آنها نظارت کارشناسی شود. چراکه در غیر این صورت باعث گمراهی فکری خیلی ها ممکن است بشود.

برادر کاظم پور (پایه ۳): نشریه تا به حال خوب بوده و باید مقداری جذابتر شود. از سوی دیگر باید چاپ آن منظم تر شود.

برادر کارگر (پایه ۳): طبق نیازهایی که حوزه دارد، انتشار نشریه ای لازم است و عملکرد آن هم در مجموع خوب بوده و نکات سیاسی و تاریخی خوبی داشته است. البته باید تنوع آن بیشتر شود و سایر طلاب هم مشارکت کنند. در ضمن از لطیفه ها و شوخی های آموزنده هم استفاده شود.

به مناسبت دومین سالگرد انتشار عرصه منتشر شد

دوره دو ساله نشریه «عرصه»

پیشن شماره های ۱ و ۲ و شماره های ۱ تا ۹

همراه با تخفیف ۲۵ درصدی برای اعضای بسیج و در

تعداد محدودی در دفتر بسیج موجود است.

واحد سیاسی بسیج مدرسه.

بانفاق جدید مدارا نکنیم

علیرضا عرفان

شهادت شمع محفل بشریتند؛ سوختند و محفل بشریت را روشن کردند اسلام همیشه نیازمند به شهید است، چون همیشه نیازمند به حماسه آفرینی است حماسه‌های نو به نو، و آفرینش‌های نو به نو. استاد علامه شهید مطهری



شب چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۵۸، ساعت ۱۰:۲۰ شب: استاد پس از اتمام جلسه‌ای در منزل شادروان دکتر سحابی، به طرف منزل خویش در حرکت می‌باشند. متین و با وقار، و لبان ایشان مترنم به ذکر خداوند، که ناگهان دست پلید کفر و الحاد از استین منافقین بیرون آمد و بزرگ معلم انقلاب، مدافع بیدار عقیده و ایدئولوژی اسلامی را هدف

قرار دادند. گروهک تروریستی و التقاطی «فرقان» مغز استاد فرزانه را هدف قرار دادند تا برای همیشه مانع نور افشانی آن مغز سوز و آن خورشید پر فروغ انقلاب گردند. مطهری، شهید علم و قدرت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، «مطهری که در طهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملا اعلی پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی، علمی، فلسفی‌اش نمی‌رود» استاد هیچ‌گاه سلاحی به جز اندیشه نداشت اندیشه خلاق استاد، تنها سلاح استاد شهید بود و به ظاهر حذف فیزیکی این خورشید فروزان بسیار آسان است. استاد شهید اولین و تنها کسی بود که از اوایل دهه ۵۰ به افشای خط التقاط و «نفاق» سازمان مجاهدین خلق [منافقین] پرداخت این در حالی بود که گروه‌های انقلابی نیز از سازمان مجاهدین خلق دفاع می‌کردند استاد شهید به دلیل افشای خط نفاق جدید و مارتالیسم متناقض هزینه سنگینی پرداخت کرد او ابتدا ترور شخصیت شد سپس ترور فیزیکی؛ ما امروز بیش از هر چیز به اندیشه‌های اشرافی استاد محتاجیم، به مساله‌شناسی و مساله‌یابی و درمان نگریش، به بصیرت و جاذبه و جامعیتش، به دفاع کلامی و عقلی‌اش، به دغدغه‌های دینی‌اش، شهادت استاد، مثل زندگی او حیات بخش و حرکت آفرین بود. استاد علامه شهید مطهری، نوری بود در ظلمت، خورشیدی بود در افق تاریکی‌ها و ظلمت‌ها، قلمش که بر صفحه کاغذ می‌دوید مُمید حیات بود و کلامش که بر صحیفه جان می‌نشست مفرح ذات، در هر سخنش حکمتی نهان بود و در هر قدمش معرفتی پنهان، در سوگ او هزاران قلم گریستند و اشک حسرت بر گونه مطبوعات و جراید ریختند. مطهری، افتخار بی بدیل حوزه‌های علمیه، جامعه علمی و فرهنگی کشور در زمین و زمان بود پروانه‌ای بود که همواره در عشق روح الله سوخت. ۱۲ اردیبهشت هر سال یادآور مجاهدت‌های علمی، عملی استادی عظیم‌الشان مجتهدی فرزانه، عالمی ربانی بود که حیات کوتاه‌ش تبیین‌کننده موجودیت اسلام، و یادآور غربت آرمان‌های تشیع بود استاد علامه شهید مطهری دردمندی فریادگر بود که روح بزرگش او را از هم رنگ شدن با مردم روزگار، و زیستن بر ز هیج و پوچ باز می‌داشت و اندیشه فراتر از زمان،

زیانش را به افشای خطوط همه کسانی که می‌خواستند به اسلام هجوم ببرند می‌گشود هر چند امروز بیش از هر زمان دیگر نیاز به حضورش را در ورای روح عطش‌ناک نسل جوان حس می‌کنیم اما بر این باوریم که انواری که از کلام و عملش متجلی گشت هنوز هم روشنائی بخش ره‌گم کردگان خواهد بود. آثار استاد شهید مطهری، به حق، گلستانی جاودان است که عطر و بوی خوش آن، عقل و جان هر حقیقت‌جویی را زنده می‌کند

مردی که طهور علم در ساغر داشت
آیسات شعور در بساور داشت
جان باخت که شور معرفت در سر داشت
سر باخت که سر عشق در دفتر داشت
مرد خدا، مرد سخندان، مرد پیکار
مائیم و هجران تو و چشمی گهربار
ای چشمه جوشنده علم و فضیلت
آه ای مطهر، مرتضی، خونینه دستار
و اینک مائیم و رسالت «مطهری» بر زمین مانده؛ بیایید همه ما «مطهری‌های» زمان را بشناسیم و سعی کنیم خود مطهری باشیم و از یاد نبریم آنچه مطهری را از ما گرفت و نفاق و التقاط بود و به خاطر داشته باشیم تساهل و تسامح با «نفاق جدید» و گروه‌های التقاطی و معاند باعث از دست دادن مطهری‌ها، بهشتی‌ها و مفتح‌ها می‌شود.

تبرئه خیانتکاران! چرا؟ ادامه صفحه ۸

مگر غیر از این است که کوفیان داعی با مقدم داشتن دیبای خود به امام خویش پشت نمودند و این‌ها با وفا بی است. تازه اگر کار و عمل کوفیان بی وفا نبود عمل امثال زهیر بن قین‌ها را چه می‌خواهیم بنامیم. شاید دیگر نیازی به بر شمردن دیگر، فزاینده این مقاله نباشد کافی است خواننده یک بار دیگر به مقاله مذکور رجوع کند تا نوشت یک نویسنده برای اثبات عدم بی وفایی یک قوم خان را ببیند تا جایی که می‌نویسد: ایرضیق روایات و استاد تاریخی عده زیادی از مردم کوفه از لشکر فرار کرده و از حضور در سپاه امتناع ورزیدند] گویا فرار از لشکر عمر بن سعد وفا داری به امام بر حق است، اینها بیچارگانی بودند که هم دنیا را می‌خواستند و هم دین و جان و آبرویشان را و به عقیده ما اینها که فرار کردند ذره‌ای هم رسم وفا را نمی‌دانستند چرا که فرار آنها از معرکه فراوان‌تر از سبزه است. و یا در جای دیگر مقاله می‌خوانیم: [آنان هم که در کربلا حضور داشتند حتی تا روز عاشورا احتمال جنگ با امام حسین ۷ را به ذهن خویش راه نمی‌دادند] پس لابد در سپاه عمر بن سعد برای سلامتی امام حسین ۷ دعا می‌کردند و باز هم می‌خوانیم: [پس از قطعی شدن جنگ، آنان که می‌ترسیدند خود را به امام رسانند و مابقی نیز مردد بودند] مگر چند نفر به سید الشهدا بعد از قطعی شدن جنگ بیوستند و خصوصاً آنانکه مردد بودند چه هتري کرده‌اند و قطعاً تردید آنها بین وفاداری یا بی وفایی بوده است و اما می‌رسیم به اوج غفلت در یک مقاله نویس مذهبی که در دنباله می‌نویسد: [سپاری از شیوخ کوفه در روز عاشورا بر تهیه اینستاده و برای پیروزی امام حسین ۷ دعا می‌کردند] خداوند از آنها قبول کند و ما به آنها تقبل الله ان شاء الله می‌گوییم، خیلی مناسب است آن صحنه را برای خود ترسیم کنیم: سپاه دشمن عزیزان امام را یک یک جلو چشمان حضرتش تکه تکه می‌کند، داغ عباس و اصغر و اکبر و... و نزدیکترین کسان امام را بر دل ایشان می‌نشانند، سنگ به پشانی حضرت زده و قلش را هدف تیر قرار می‌دهند، آن وقت شیوخ کوفه لطف نموده و بر روی تپه‌ها دعا می‌کنند، سخن به درازا کشید و حال آن نیست که قسمت پایانی مقاله را باز نماییم، به هر حال باید بدانیم که وظیفه ما چیست، به کجا باید حمله برد و از چه بسا دفاع انجامی ما باعث تقویت روحیه‌ای مخرب و ایجاد سستی و کاهلی شود و از همه مهمتر اینکه بحث بر سر موضوعات نه چندان مهم و کلیدی و موجب تفرقه و هدر رفتن نیروها می‌شود. امید داریم که نویسنده مقاله مذکور نقد ما را نیز وحی منزل ندانند ولی در کلیات آن دقت وافی داشته باشند و از جهت نقد نیز کمال بپوشش را از ایشان داریم و در مجموع بگوئیم تا با شناخت صحیح از وضعیت خود و علل و عوامل انفعال بعضی از مردم خویش از بروز حوادثی که ضریات جبران‌ناپذیری به اسلام و حتی بشریت وارد می‌رساند جلوگیری کنیم و الحق معکم و فیکم و فصل الخطاب عندکم

و السلام علی من اتبع الهدی

۱. این گزارش را ابو مخنف ان مجالد بن سعید نقل می‌کند ر.ک: (۱) مقتل الحسین ۲، ۱۸۳ تاریخ طبری ۵/ ۳۷۱/ ۳، ارشاد مفید ۴، ۲۱۲، خوارزمی ۲۰۸
۲. ذریعة النجاة ۳۴۴ ترجمه فارسی

سخنرانی منتشر شده استاد محمد دشتی رحمته الله علیه در جمع طلاب مدرسه کرماتیها

یکسال پیش در چنین ایامی شیخ علی محمد صادف استاد محمد دشتی و فرزندان او که از کثرتان علاوه بر بوده همه دستداران او را در نگرانی فرو برد. او که اشکای محافل سبحان و هیات مذهبی بود در راه تبلیغ مفاهیم بلند بهیمنی بلاغی سی سال عاشقانه و مخلصانه زحمت کشید و در عین حال از حساسترین افراد زمان ما به حفظ ارزشها و دستاوردهای مکتب معنوی خمینی کبیر بود. او از استاد شهیدش مفتوح عشق به نهج البلاغه را آموخت و عمر خویش را در این راه معنوی صرف نمود. استاد علامه حسن زاده آملی که بر پیکر خونین و شسته از نثار زاری و محال که میگریست او را چنین وصف نمود: «اشهد لله ولایة من اولیایه و انه ناشر آثار العلوی و الحسینی و العاطمی». این ولی مجاهد خدا در ماه صفر سال ۱۳۷۹ دعوت بهیمنی مدرسه کرماتیها را با کمال تواضع پذیرفت و پیرامون موبایته مقام معظم رهبری در خصوص حوزه و رسالت عاشورایی آن سخن گفت. با ذکر این نکته که استاد به شریحه عرصه نیز لطف داشتند و از مقالات خود ما را بهره مند می کردند.

بسم الله الرحمن الرحيم قال الحسن بن علی ان الذی بین الذی قد رکت بین اثنین بین السلة و الذلة و ههنا من اللذلة (اگاه باشید که زنازاده پسر زنازاده (این زیاد) مرا بین دو چیز مجیر ساخته است: بین جنگ و دلت و ولی ذلت از ما بسیار دور است - خطبه دوم امام در روز عاشورا -) بحث پیرامون عاشورا جنبه های کاربردی گوناگونی دارد. یکی از جنبه های آن مردم و عاشورا است که به حق مردم ما و نودهای مسلمان در همه اقطار بر اساس احساسات و عواطف قوی با عاشورا گره خورده اند و عاشورایی شده و فرهنگ عاشورا را زنده نگه داشته اند. هم عاشورا مردم را محمول کرد و هم مردم عاشورا را پاس داشتند و از حق مسئله جدا برآمدند. جنبه دیگر عاشورا حوزه و عاشورا است همان موضوعی که خودتان اعلام کرده اید. جنبه سوم عاشورا و روشنفکران است که در این زمینه آنها کوتاه آمده و دچار القاطب شده اند و خواسته اند که عاشورا را با دیگر نهضتها مقایسه کنند و آنرا با سؤالاتی حساب شده زیر سؤال ببرند. در محرم امسال شما در همین روزنامه های تعطیل شده دیدید که بر مبنای تفکر غریب اومانستی عاشورا را زیر سؤال بردند و عجیب هم پرسش و جواب می کنند که چرا در این محرم برای عاشورا عزاداری می شود. یکی شان گفته که جنگی در سال ۶۱ هجری صورت گرفته و حال بعد ۱۲۰۰ سال چرا باید مدتها عزاداری کنیم؟! البته جنبه چهارمی هم می شود اضافه کرد: عاشورا و مبارزه پژوهشی کشور که این بخش را در عاشورا و حوزویان می شود ادغام کرد. آنچه که حوزویان باید علاوه بر کارهای انجام شده در این خصوص انجام دهند دانش مرکزی پیام عاشورا شناسی است. البته کارهایی هم تا کنون انجام شده و مثلا خود فقیر برای تدوین چند جزوه در مورد عاشورا بیش از ۹۰ کتاب و منبع را با امکانات محدود خود مطالعه کردم اما گفتنی چنین مرکزی برای امام حسین علیه السلام و همین طور برای سایر ائمه علیهم السلام است منظور از این مرکز، موسسه ای است با همه امکانات از مرکز مطالعات، سائلی، مطالعاتی، کتابخانه قوی، فنی و مخرج شده همه امکانات امروزی، جنبه کتابهای تولید شده در این خصوص از سراسر جهان، جذب و ثبت اظهار نظر شخصیت های دنیا و طوطی این قرن در خصوص عاشورا، کتب، شیوات و تحقیقات مستطاب عاشورایی که تاکنون نوشته و جمع و بررسی شده است و چند سال است که در خصوص یک کتابخانه تخصصی کار می کنیم و هنوز هم با کار داریم. حال تصور کنید عاشورا را چگونه می توان در امتداد و نظام ما جمع کرد. دانش و آشنایی با آن در مدارس و دانشگاه ها می بینیم که عاشورا را در حد سینه شهیدان علمیه و احاطه با آشنایی و سواد باطنی آن استاد فلان علیه السلام (مقام معظم رهبری) و آشنایی با اسلام می کنند که اگر چنین علمی قدرتی را در دست عاشورا قرار می دهند شاید اما بعد از بیست سال که در این مقاله می گذرد برای این

حماسه بزرگ به اندازه برخی سمینارها کار شده است. برای برخی سمینارها صدها میلیون خرج می شود. با همین بودجه می شد حسین علیه السلام را به عالم معرفی کرد. خود حمیر در جریان تدوین کتاب فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام با عده معدودی این کار را شروع کردم و حتی به تقاضای وام ما هم کسی اهمیتی نداد. تا اینکه فردی امام حسین علیه السلام را در رؤیا دید و هزینه گروه ما را تا ۶ سال تأمین کرد و ما تنها با استامبی که به طور محدود در داخل پیدا کردیم به مدت ۷ سال روی این کتاب کار کردیم. اما آیا باید ما تا اینگونه برخورد می شد؟ یا در صفا و سیمای پیش از این همه وقت یک فیلم صحیح و مستند عاشورا ساخته می شد؟ همین فیلم روزی ۹۹/۵ درصد دروغ است یا فیلم داستانی روایت عشق که سرسبز کذب است و همین فیلمها را بارها نمایش می دهند چه کنند؟ غیر از اینها که چیزی ندارند نشان بدهند؟ چرا؟ مردم و سبحان ما تا حدود زیادی حق عاشورا را ادا کردند. اما دولت یا حوزه چطور؟ کل مجاری کار ما در کتاب فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام پنج میلیون تومان هم نشد. اما برای فلان سمینار میلیونها تومان خرج خرید گل می شود! باید در حوزه یک مرکز قوی حسین شناسی باشد. در مرحله اول ما حدشناسی صورت گیرد و در این کار نباید به کتابهای داخلی و خارجی باید از طریق سفارتخانه ها کلیه منابع جمع آوری شود و در مرحله دوم سلسله درسهای پیرامون فرهنگ عاشورا تدوین شود. نباید در کتابهای حوزوی از فرهنگ عاشورا بهره گرفته شود. در دانشگاهها باید سخنان امام در چند واحد تدریس شود. چرا باید در دانشگاههای ما حرفهای مفت ماکارونی و پودر تریس و به آن بها داده شود اما از حرفها و احادیث عاشورا چیزی نماند؟ امام حسین علیه السلام برای همه پیام دارد. من لم یلق بی شیخ اللوح همه ملتها باید که عاشورا را بروند. حال وقتی منابع توسط حوزه تدوین شود نهانه از دست مسئولین سلب می شود و آنها مجبورند از این دروس بهره بگیرند. اگر چه شاید باز بپذیرند. ما با اینها دهها جلسه بحث کاربردی کردیم و گفتیم هیچ بلاغه در ۱۴۰۰ رشته دانشگاهی حرف نماند. ما تا پنج شش واحد به شما خوراکی می دهیم تا در دانشگاهها تدریس کنید. بعد از این همه بحث آن مقام عالی رتبه گفت که چرا خودتان برای در می آورید؟ باید در مقوله کودکان و نوجوانان و عاشورا باید کار کنیم و در صفا و سیمای نظم برای کودکان ساخته شود. همانطور که بعضی ها و ژاپنی ها برای کودکان خود این کار را کردند. در کتاب درسی مدارس باید از عاشورا و امام حسین علیه السلام استفاده شود. نه از ملائی صوم و پوسنده و بسته مزدور. البته دلیل نادانی میخانه از رویان مناسبه بزرگان ما در خصوص تأسیس مدرسه تخصصی نهج البلاغه یا وجودی که ۳۷ سال تجربه و تحقیق داشتیم و در سه راه آمادگی کرده و استادان را تربیت کردیم و در همه ما جوانان و وادان و دولت هم هستند. بدن حرف از این مرکز ساخته و برای اجرای آن کار به بودجه و متد دارد. نیاز مندها بزرگی کل مطالعه قلم است. باید برای امام حسین علیه السلام و عاشورا مسابقات بین المللی برگزار شود. قلمی که گوی می نقل از خود و از آن لگو می گیرد باید در سطح بین المللی روی آن کار شود. آنها جایزه قابل درستی گرفته ما هم جایزه عاشورا اعلام کنیم. برای همین فیلم در مورد عاشورا جا به جایی شده همه آنها بعد از پنج و تحقیق نمودیم بعد ساختن ما این نتیجه این تحقیق نوشته شد. ما طبق معات مطالعه و تحقیق و پژوهش باید بین المللی خبر در مورد فرهنگ عشق بین المللی تنظیم کنیم تا یکی از همین عوامل باشد ساختن این صنعت جدید در ایران. او اسیر داشته اند از صنعتهای غربی. صنعتی قوی است. استفاده کمترین عمر حوسبه و سافت و به او کنیم شما می خواهید مثل سایر نظام های سازماندهی امام علی علیه السلام را در آن می سازی؟ کلا می چوایان نظام تو تاریخ یک اشاره کرده است که آن هم صورت نظام امام آن سرپال تا آن حد بزرگتر می شد. مشکل چیست؟ علت آن است که مردم درسی دانشگاههای هر ملاحظه از حرف و سیمای عیسویت و تبدیل حرف گرفته شده و نتیجه اش همین می شود. ما باید تو این مسئله کار کنیم رسالت حوزه راجع به عاشورا مطرح کردیم. در این جهان امروز است.

تبرئه خیانتکاران! چرا؟

نقد مقاله «آیا اهل کوفه بی وفا بودند؟»

غلامعباس رفیع

محمد حسین شیخ شعاعی

سید روح الله ابراهیمی پور

بود که آشکاری این دروغ و فریب نیز دیری پس از ارسال نامه توسط مسلم رضی الله عنه به حضرت نیاید و ناخوانمندی مردم کوفه (به جز عده معدودی) در همان ابتدا به اثبات رسید و سفیر کشی و رها کردن مسلم در کوچه‌های کوفه دلیل بر این مدعی است ولی شاید نویسنده مقاله مدعی باشد تنها رها کردن مسلم در کوچه‌های کوفه و شهادت آن بزرگوار در کوفه دلیل دیگری بر وفاداری کوفیان است چون اگر مردم کوفه بی وفا بودند در همان بدو ورود سر سفیر سید الشهدا رضی الله عنه را از تن جدا می‌کردند و بهتر اینست که اگر بنا شود ما مضمون نامه مسلم به ابی عبدالله رضی الله عنه را دلیل بر ولایت مداری و با وفایی آنهاست و گر نه آنها اصلاً به سوی حضرت نامه نمی‌نوشتند و متأسفانه بر خلاف خواسته نویسنده ماجرای که ایشان برای اثبات ادعای خود - با وفایی مردم کوفه - انتخاب کرده‌اند از جمله شواهد محکمی بر فریب کاری و نیرنگ بازی این نامرد، مردمان بوده است چرا که تظاهر و پیمان بی جای همین مردم ست ایمان و بی مایه بود که باعث شد تا امر بر فرستاده ابی عبدالله رضی الله عنه مشتبه شده و مطلبی را برای حضرت بنگارند که فقط با ظاهر فریبنده آن مردم سازگاری داشت نه با باطن آنها و دیری نیاید که خلاف آن ثابت گردید و اصلاً خیلی خوب است نویسنده مقاله به فرازهایی از خطابه‌های آنتین حضرت زینب رضی الله عنها که چون پستی بر سر کوفیان فرود می‌آمد نظر کند که آن شیر زن کربلا با چه دانه عظیمی پی‌فرمود: یا اهل کوفه یا اهل الخیر و الغدر و الختل و المکر... آندرون ویلکم! ای کسب لمحمد صلی الله علیه و آله فریتم؟ و ای عهد نکتم؟ ۲ و شاید نظر نویسنده در این مورد آن باشد که تویبخت دخت امیرالمؤمنین رضی الله عنه بر علیه کوفیان در رابطه با دعاهای مستجاب نشده آنها در حق حضرت سید الشهداء می‌باشد. در اینکه بخواهیم همدست شدن کوفیان در قیام پس از عاشورا با مختار را دلیل بر وفاداری آنها بدانیم نکته جالبی قابل عرض است و آن هم اینکه اصلاً خود معنای انسانی بی وفا بوده است خیلی‌ها هدف مختار از قیام را قدرت طلبی و... می‌دانند ولی ما با این مسأله هم کاری نداریم بلکه این سوال از جناب مختار پرسیده می‌شود که شما که پس از قیام اولیه خود که قبل از فرمان قیام مسلم در کوفه بود به کوفه رسیدید چرا با وسوسه افرادی چندان اموی مسلکان به زیر پرچم اسانی عمرو بن حرث رفتید و بعد از آن نیز در آن غوغای کوفه همراه مردم به نزد این زیاد رفتید و قیام مختار قیامی خود سرانه بود که بدون اجازای خشک و خالی حتی از محمد بن حنفیه انجام گرفت البته در اینکه سزای اعمال وحشیانه امویان و عمال آنها بیش از آنچه بود که مختار در رابطه با آنها انجام داد نیست ولی بحث بر سر این مسأله است که چرا باید اینگونه او عمل کند و آیا وفاداری او جز این باید می‌بود که حداقل زیر پرچم سرسیردگان اموی نرود قیام خود را زیر نظر مسلم انجام دهد. در هر حال به نظر می‌رسد نویسنده مقاله قومی را با وفا می‌داند که در عین صحت و سلامت و امنیت و آزادی و فراق خاطر به خدمت امام خود برسند و عرض ادب کند

ادامه در صفحه ۶

اگر سری به تاریخ بزیم و وفای افرادی همچون ابن سکیت (دانشمند علم نحو و ادبیات) را ملاحظه نماییم آنوقت خواهیم فهمید که وفای به حجت الهی یعنی چه! توجیه مسلمات شاید صحیح نباشد لیکن آنچه که در ذیل می‌آید خلاصه‌ای از نقدهای دهنده صفحه‌ای است که بر مقاله (آیا اهل کوفه بی وفا بودند؟) وارد شده است امید است مفید همگان واقع گردد. وفا در لغت عرب به معنای عمل کردن به وعده و پیمان، حق کسی را کامل ادا نمودن، کامل و... آمده است. آنچه که محرز است آنستکه آخرین و شاید کمترین درجه و مرحله توفی به ولی خدا گذشتن از جان می‌باشد (برای درک بهتر نویسنده به متن و تفسیر دعای عهد امام زمان (عج) رجوع شود) و وفا را نمی‌توان حتی در سیاه چال سیاست حبس نمود. نویسنده مقاله با آگاهی به این موضوع سعی می‌کند با ردیف نمودن و تقسیم بندی‌ها و تحلیل‌ها و نقل قولها، از آب گل آلود ماهی بگیرد بدین صورت که می‌نویسد: (در هر صورت به راحتی... و چون می‌ترسد که نکند ذهن خواننده آن این فضا سالم بدر رود بی وفایی کوفیان را وجه تسمیه می‌دهد: ایشیعه گری کوفیان عامل مهمی در ایجاد نفرت و کینه نسبت به آنان در مورخین وابسته اموی و عباسی به وجود آورده و همین امر سبب شده که... به نظر چه کسی معقول است که بگوئیم (ریاضی دانان به سلیقه خود ان قیافه رضی الله عنه) خوششان آمده و در باغ به دو دو تا گفته‌اند چهار تا در صورتی که جواب آن ۳ می‌باشد) به فرض همان که مورخان به ناحق گفته‌اند بی وفا آیا ما با این همه شواهد نمی‌توانیم به حق بگوئیم: بی وفا؟! نویسنده در ادامه می‌خواهد با وفا بودن کوفیان را به تمام تاریخ تعمیم دهد و بی وفایی مقطعی آنان را توجیه کند و بدین منظور می‌نویسد ایشیعیان معتقد و اصل کوفه همواره در طول تاریخ یاوران واقعی و جان بر کف اهل بیت رضی الله عنهم بوده و... هر صاحب ضمیر منصف می‌داند که اگر قومی در زمانی با وفا بودندش ثابت گردید همان قوم بعداً می‌تواند بی وفایی خود را اثبات کند. هدف نویسنده همان است که گفته شد چرا که با پیش کشیدن مسأله خیانت سران و خواصی همچون شریح قاضی و با طرح مسأله قتل هانی و غیره می‌خواهد بی گناهی سپاه رفته به نخيله را توجیه کند و جای تعجب دارد که نویسنده مقاله برای اینکه مطلب خود را به هر نحو که شده اثبات نماید واقعه عاشورا را به نحو عجیبی به نفع خویش سانسور نموده تا شاهد مثال برای بحث خود بسازد اگر نظری کوتاه به واقعه دستگیری هانی و محاصره دارالاماره کنیم خواهیم دید اگر چه شریح برای حفظ جان فون (عدم وفا) خیانت نموده و انبوهی از مذحجیان را که به فرماندهی عمر بن حجاج برای نجات هانی آمده بودند را پراکنده ساخت و اگر چه سران بعض قبیایل خیانت نمودند ولی آیا قیام شخص مسلم پس از اعلام گزارش عبد الله بن حازم را می‌توان فراموش نمود عباس جدلی آورده است: به هنگام حرکت مسلم به سوی تجاوز کاران اموی، شمار ما به ۴۰۰۰ تن می‌رسید ولی هنوز به آنجا نرسیده بودیم که جز ۳۰۰ تن باقی نمانده بودند و آنان نیز بتدریج پراکنده شدند تا آنجا که پس از نماز مغرب مسلم پس از حرکت متوجه شد که یابری که ندارد هیچ بلکه امانی هم ندارد و ایشان پس از دیدن طوعه (یکی از زنان با وفای کوفی) به او می‌گوید: من مسلم سفیر حسین رضی الله عنه هستم و این مردم به من دروغ گفتند و مرا فریب دادند و پیمانهای خود را شکستند ۱. این سخن مسلم می‌تواند پاسخ مطالب پایانی نویسنده مقاله باشد که آورده است (از زیبایی مسلم از کوفه... مبتنی بر حقایق بود... در این رابطه لازم است که گفته شود آنچه بدیهی است آنست که موضوعی که سبب شد حضرت مسلم رضی الله عنه نامه مذکور را به ابی عبدالله بنویسد به واقع ظاهر فریبنده و پیمانهای دروغین مردم کوفه

عرصه

نشانی علمی، فرهنگی، سیاسی، مدرسه علمیه کربلایها

باز نظر شورای نویسندگان

سرپرتر: سید مرتضی ابطعی - مهرداد قدیری

مزه‌فهرین: محمد مسیز کشمیری

مسئول اجرائی: علی قایل